

طلسم ضحاک، ارسال امواج اهریمنی (پارازیت)

طلسمی که ضحاک سازیده بود

سرش با آسمان بر فرازیده بود



در مباحث پیشین مطرح گردید؛ نظام ضحاک بخودی خود و به علت تحولات درونی جامعه بسوی فروپاشی و افول پیش می رود و درهم می شکند هنگامیکه ضحاک تمام اهرمهای خود را از دست می دهد ضرورتاً برای اجتناب از فروپاشی درمی یابد که "زور" به تنها از کارایی لازم در سطح جامعه برخوردار نیست بدین ترتیب به دنبال ایجاد نقاط تعادلی در خارج از قلمرو خود می گردد؛ دریافت کمک از بیگانگان برای تثبیت استبداد خود از یک طرف و از طرف دیگر به **نیروهای اهریمنی (جادوی سیاه)** دست تمسک دراز می کند، در هر دوی این موارد وقتی تحول جامعه به آن درجه از بلوغ رسیده باشد اینها دردی از ضحاک دوا نمی سازد و ضرورتاً نظام ضحاک دچار فروپاشی میشود. اما یکی از اقداماتی که خصوصاً ضحاک در واپسین مقاطع حیات نظام خود به آن متمسک می گردد ، **تبلیغات عنان گسیخته مبتنی بر دروغ است**، هرچه نظام ضحاک بسوی مرگ پیش می رود میزان کاربرد دروغ برای فریب آحاد جامعه در آن نیز بشکلی باورنکردنی افزایش می یابد، دروغهای بسیار شگفت انگیز. مبالغه و دروغهایی که حتی مردم گمان نمی برند که این ادعاها دروغین باشد؛ اما در چنین جامعه ای حتی دروغ های سیستم حاکمه ضحاک کارآیی خود را از دست می دهد.

اهریمنی

امواج

ارسال

یکی از روشهای استفاده از نیروهای اهریمنی توسط ضحاک "ایجاد ارتعاشات اهریمنی" برای ممانعت از برقراری ارتباط میان آحاد جامعه است. یعنی هرآنچه سبب انتقال اطلاعات میان مردم میشود این امر برای ضحاک خطر بشمار می رود و به همین دلیل می خواهد سیستم اطلاع رسانی را متلاشی سازد و در مقابل آن بایستد و از انتقال اطلاعات در

میان مردم ممانعت بعمل آورد. یعنی خبررسانی را سد سازد ، خبر را کور سازد مجاری انتقال خبر را ببندد و برای این امر دست به هر اقدامی می زند در داستان ضحاک می خوانیم:

طلسمی که ضحاک سازیده بود سرش با آسمان برفرازیده بود



ضحاک برجی بسیار عظیم بنا کرده بود و این برج برای کنترل نبض جامعه بنا نهاده شده و برای نظارت و کنترل بر ارتباطات مردمی و اشراف بر تبادل اطلاعات در میان مردم بود. ضحاک بر فراز این برج در مرتفع ترین نقطه ، جارچیان و ناقاره چیان خود را به خدمت گمارده بود تا با تجهیزات خود ارتعاشاتی بسیار قوی تولید کنند و بدین ترتیب ارتباطات میان مردم را مختل سازند و با ایجاد طنین هایی که در اثر ناقاره زدن تولید میشد ، مانع ارتباطات مردمی میشدند و از سوی دیگر ذهن مردم را به جانب هضم تبلیغات و دروغهای ساختگی ضحاک متمرکز می ساختند.



طلسم ضحاک

طلسم ضحاک به همان سیستمی اطلاق می‌گردد که ضحاک از طریق ناقاره چیان (با استفاده از ابزار و وسایلی که داشتند با ایجاد ارتعاشات بسیار عجیب و طنینهای خاص) بر فراز برج بلندی که با استقامت بنا نهاده بود ارتعاشات و طنینهای خاصی تولید می‌کردند که بسیار گسترده در فضا انتشار می‌یافت و موجبات اختلال در سیستم ارتباطات و اطلاع‌رسانی مردم را فراهم می‌ساخت (ارتباطات میان مردم را دچار پارازیت میکرد، ایجاد اختلال) بدین ترتیب ضحاک با ایجاد اختلال در سیستمهای اطلاع‌رسانی و ارتباطات، مانع دست یابی احاد مردم در جریان جزئیات امور می‌گردید(سانسور)



این قبیل اقدامات ضحاک راه به جایی نمی‌برد چراکه از یکسو مردم بیدار شده بودند و از سوی دیگر چنانچه در مباحث پیشین یادآوری شد، پیرمغان با استفاده از سلاح اکولوژیک (صاعقه) برج ناقاره ضحاک (طلسم ضحاک) را هدف قرار داد و اجازه نداد تا سیستم ضحاک بیش از آن بتواند با پراکنده ساختن امواج اهریمنی بر سر راه ارتباطات مردمی سد و اشکال ایجاد سازند. تلاشها و دست و پا زدنهای ضحاک نافرجام ماند چرا که جامعه به بلوغ کافی رسیده بود و ناقوس مرگ دستگاه حاکمه جبار ضحاک به صدا در آمده بود و فروپاشی آن امری محتوم بود.



پیرمغان حکایت معقول می کند
معذورم از محال تو باور نمی کنم



ادامه دارد ...